

قم در دوره ناصری: یک بررسی جغرافیای تاریخی

صالح پرگاری * / محمد بیطرفان **

دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۴/۰۵/۰۱

چکیده

جغرافیای تاریخی، پژوهشی میان رشته ای است که برای تحقیقات میدانی و آمایش سرزمینی اعتبار فراوان دارد. در این روش، بررسی سیر جغرافیایی در میانه تحولات تاریخی، اهمیت زاید الوصفی دارد و هدف از آمیزش این دو رشته، ایجاد الگو و روشی منطبق و سازگار با پژوهش های جدید است تا تحولات منطقه جغرافیایی خاص را در دوره تاریخی بررسی کند

قم دوره قاجاریه، به دلیل نزدیکی به پایتخت و قرارگرفتن در محور مواصلاتی اصفهان، کاشان و سلطان آباد (اراک)، موقعیت ویژه ای داشت. رفته رفته، از دوره ناصرالدین شاه، هسته اولیه شهر به عنوان ساختار فعلی شهر قم شکل گرفت و تحولات منجر به رشد و گسترش شهر در این دوره پایه گذاری شد. هدف اولیه این پژوهش، شناخت ویژگی های شهر قم در دوره ناصری بود. سپس، با ارزیابی و بررسی ویژگی های فوق، نسبت بین رشد شهر و محدود جغرافیایی شهر نقد و بررسی شد. یافته های پژوهش حاکی از این است که جغرافیای طبیعی و سیاسی قم، در کنار جاذبه های مذهبی شهر در دوره قاجاریه، زمینه های رشد و گسترش شهر را فراهم کرد. زمینه های رشد شهر به ایجاد و ترمیم راه های بین شهری، گسترش داد و ستد کالاهای تجاری، ایجاد کارگاه های صنعتی، تنوع گروه های قومی و اجتماعی و ... انجامید.

کلیدواژه: قم، جغرافیای تاریخی، شبکه راه های ایران مرکزی، عهد ناصری.

* دانشیار دانشگاه خوارزمی. پست الکترونیک: pargaryisaleh@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی. (نویسنده مسئول) پست الکترونیک: mohammad_bitarafan894@yahoo.com

مقدمه

تحقیق و بررسی جغرافیای تاریخی یک منطقه، به عنوان حوزه مطالعات بین رشته ای، از آنجا اهمیت بسزا می یابد که به گذشته تاریخی شهر، منشأ جمعیت، نحوه شکل گیری، بررسی تداوم سنن قومی و جابه جایی گروه های اجتماعی می پردازد. بنابراین، جغرافیای تاریخی، در یک نظر، به دنبال نتایج کارکرد نیروهای طبیعی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره های گذشته است، که با فضای امروزی شهر پیوند خورده است (شکویی و کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۰). در مطالعات حوزه جغرافیای تاریخی مکان به عنوان جغرافیا و زمان به عنوان تاریخ مورد توجه است. از این رو، طرح علم روابط مکانی انسان در متن مقاطع زمانی گذشته، برای حل چگونگی مسائل جغرافیایی امروز بشر کاربرد دارد (بیک محمدی، ۱۳۷۸: ۱۵).

تا پیش از قرن بیستم، «جغرافیای تاریخی» اصطلاحی برای توصیف حداقل سه جریان متمایز فکری بود: الف) بازآفرینی جغرافیای شرح داده شده در کتاب مقدس و آثار کلاسیک یونان و روایت های رومی؛ ب) جغرافیا به مثابه پشتیبان تاریخ که درصدد نشان دادن دگرگونی حدود و ثغور و مرزهای دولت ها و امپراتوری ها بود، ج) تاریخ اکتشافات جغرافیایی (-1: Butlin, 1993). در فاصله بین دو جنگ جهانی، نقش جغرافیا، و، به تبع آن، تاریخ به عنوان ساختار پررنگ شد. تا جایی که در فرانسه تحت تأثیر مکتب آنال مبحث جغرافیای تاریخی به عنوان یک سبک مشخص مطرح شد. در آلمان و انگلستان هم مبحث جغرافیای تاریخی پی گرفته شد. با این

حال، نظریه پردازان میانه قرن بیستم، همچون داربی و سوئر، کمک شایانی در جهت رشد این علم کردند (Darby, 2002; Meinig, 1993). در مباحث نظری، که نخستین بار به صورت آکادمیک در قرن بیستم به بحث گذارده شد، با تأکید بر دشواری پژوهش در جغرافیای تاریخی، مسائلی همچون فرهنگ انسانی، که بیشتر در حوزه جغرافیای انسانی می کنجد، ماهیتی تاریخی داشتند. بنابراین، در این نوع تحقیقات انسان به عنوان محور تحول در جغرافیای تاریخی، عامل تأثیرگذار در آفرینش فرهنگ معرفی شد. در این نوع نگاه، هر چند اصالت را بر جغرافیا قرار دادند، مهم آن بود که داده های آن از طریق بررسی های تاریخی فراهم می شد. بنابراین، جغرافیای تاریخی می بایست بیشتر جغرافیای منطقه ای خاص و زمانی معین (در گذشته) را بکاود (Sauer, 1941: 31/4-15; Wittlesey, 1945: 35/1-6, 30-32). در نتیجه، به گمان برخی، این رشته زیر شاخه ای از جغرافیای انسانی است که نزدیک به تاریخ، تاریخ محیط زیست و بوم شناسی تاریخی است. بوم شناسی تاریخی یک برنامه جدید تحقیقاتی بین رشته ای است که با درک ابعاد زمانی و مکانی در روابط جوامع انسانی، به محیط های محلی و اثرات جهانی حاصل از این روابط می پردازد. در بوم شناسی تاریخی، به واقع رفتار انسان در محیط چشم انداز، به عنوان بخشی از جغرافیای تاریخی مشتق شده است. (Balee, 2006: 75-98).

با این احوال، تعریف روشنی از جغرافیای تاریخی- به مثابه الگویی جهت تحقیق و پژوهش های بنیادی- نشده است. ولی در یک نظر

می تواند گفت که جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط های گذشته به شیوه بررسی سلسله وقایع در یک زمان یا ارزیابی آنها با توجه به تحولات گذشته است (Monkhouse, 1969: 176). با این حال، در سطح علمی هم چالش های مختلفی در این موضوع وارد شده است، که پیش تر حاصل دشواری و سپس ناکارآمدی آن است. یکی از آنها مقاله مهم کوچرا با عنوان «جغرافیای تاریخی در میانه جغرافیا و تاریخ نگاری» است. بنا به نظر کوچرا، مسئله همیشگی جغرافیای تاریخی، از آغاز شکل گیری، عدم تمایز کافی آن از علوم دیگر بوده است. از این رو به ابهامات جایگاه فوق اشاره می کند. وی تاکید دارد که به رغم کوشش های فراوان برای حل این دو مسئله، فقدان مبنای روش شناسی و نظری، سبب لاینحل ماندن آنها شده است (Ku Cera, 2008: 5/5-13). البته وی پیشنهاداتی برای گریز از خلط مباحث و درون افتادگی در مسائل بی مورد ارائه می دهد: الف) جغرافیای تاریخی علمی جغرافیایی است و نباید آن را به منزله توپوگرافی پنداشت؛ ب) جغرافیای تاریخی در صدد بازسازی گذشته به عنوان امر واقع است، لذا به شناخت ما از وضع کنونی منطقه کمک می رساند؛ ج) عنصر مکان به عنوان اولویت اصلی است و نباید در عنصر زمان به صورت توصیفی سال شمارانه فرو غلطید؛ د) ضرورت فراگیری علوم جغرافیایی و تاریخی برای درک مسائل جغرافیای تاریخی (Ibid, 9-10).

با در نظر گرفتن مسائل نظری فوق، روش اتخاذ شده این تحقیق - با توجه به موضوع آن که به گذشته جغرافیای تاریخی شهر، راه ها و ... می پردازد - تلفیقی از روش های باستان شناختی، تاریخی، و حوزه جغرافیای تاریخی است. بنابراین، با توجه به اسناد، سفرنامه ها، نسخه های جغرافیای با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مسائل عمده انسانی، طبیعی، فرهنگی و اجتماعی در چارچوب زمانی خاصی (دوره ناصری) پرداخته شده است. درباره اهمیت موضوع باید اذعان کرد که از آنجا که هسته فعلی و رشد اصلی شهر، شکل گیری و توسعه راه های بین شهری قم و نوع مطالعات اجتماعی و فرهنگی - که در تحقیق آورده شده است -، در دوره ۵۰ ساله ناصری اتفاق افتاده است، بنابراین، شایسته تحقیق جامعی است.

طرح مسئله

شهر قم در حاشیه کویر و رود اناربار شکل گرفته است. بیابان معروف به کویر نمک تا اراضی مابین پل دلاک و تهران گسترش پیدا می کند (بروگش، ۱۳۸۹: ۵۴۱). مختصات آن در ۳۴ درجه و ۳۹ دقیقه شمالی و ۵۰ درجه و ۵۴ دقیقه شرقی قرار دارد و ارتفاع آن ۳۱۰۰ پا است (Schindler, 1897: 57). اطراف شهر پوشیده از سنگ های نمک و قلیا بود. از این رو، بارش باران های زمستانی زمینه های شکل گیری باتلاق های نمکی را فراهم می کرد (دوروششوار، ۱۳۷۸: ۱۷۸).

یافته های باستان شناسی گویای تمدن و پیشینه کهن شهر قم است. گذشته از مباحث اساطیری، قدمت آن را به دوره پیش از اسلام می رسانند (ثعالبی، ۱۹۳۶م: ۷۰۹). ولی تاریخ نوشته های نخستین درباره این شهر، از دوره اسلامی و در حله های سیاحان عرب و ایرانی قابل برداشت

ذیل است:

۱. تغییر و تحولات راه های قم در دوره ناصری چگونه بوده است؟ علل تغییر و تحولات این راه ها چه بوده است؟

۲. وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر قم در دوره ناصری چگونه بوده است؟ آیا این وضعیت از جغرافیای منطقه تأثیر زیادی پذیرفته بود؟

۱- وجه تسمیه

در منابع موجود درباره وجه تسمیه قم نظرهای گوناگونی آمده است. برخی محققان احادیث ائمه اطهار را و برخی دیگر کتب جغرافیایی و تاریخ نگاری را مبنای تفسیر خود قرار داده‌اند (Schindler, 1897: 58-62). در این میان، کتاب تاریخ قم جامع برداشت‌ها را براساس کتب مختلف به دست می‌دهد (برای اطلاع از این دست، نک: قمی، ۱۳۸۵: ۴۴-۴۷؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق: ۱۰/۴۸۵؛ حموی، ۱۹۵۵م: ۴/۳۹۷-۳۹۸؛ بروسی، ۱۴۲۷ق: ۵۲۹؛ ابن رسته، ۱۸۹۲م: ۲۷۳؛ یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۸۴؛ حمیری، ۱۹۸۴م: ۴۷۲). ولی از نظر نگارندگان برخی از آنان، که اشاره به شکل‌گیری نام قم در دوره اسلامی دارد، مردود است؛ زیرا این روایات تقریباً یکی دو سده پس از تصرف قم توسط اعراب اشعری زائیده شده است. و نسبت تأسیس قم به دوره پس از اسلام از همین امر ناشی می‌شود.

نام قم، به همین صورت، در تذکره‌های جغرافیایی و متون تاریخی دوره نخستین اسلامی آمده است. از این رو گمان بر این است که جغرافیانگاران

است. در دوره آل بویه، که شیعه تا حدودی آزادی عمل پیدا می‌کند، این شهر در کنار ری به عنوان یکی از مراکز شیعه اهمیت یافت. و در دوران صفویه و سپس قاجاریه اهمیت آن دو چندان شد. در دوره قاجاریه، خاصه در زمان ناصرالدین شاه، این شهر در کنار جاذبه های مذهبی، اهمیت راهبردی هم داشت. نزدیکی به تهران و برخورداری از موقعیت مناسب جغرافیایی، آن را به شاهراه مواصلاتی جنوب به شمال و شرق به غرب تبدیل کرده بود. قم در این دوره تاریخی بر سر سه راهی عراق (اراک)، اصفهان و تهران قرار داشت. راه های فوق اهمیت زاید الوصفی داشتند؛ لذا تغییر چند باره آن، به خصوص در زمینه راه قم به تهران، از اهداف حاکمان وقت و وضعیت جغرافیای تأثیر متناهی پذیرفته بود. از این‌رو، کرزن، سیاستمدار نامدار انگلیسی، با هوشمندی تمام موقعیت آن را از لحاظ استراتژیک برای پایتخت بودن مناسب می‌دانست (کرزن، ۱۳۸۰: ۱۲).

درباره پیشینه تحقیق باید گفت که در دوره مورد بحث، پژوهشی صورت نپذیرفته است. این جستار به بررسی و تحلیل وجه تسمیه، تغییر و تحول جغرافیای تاریخی راه ها و مسافت ها و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر قم در دوره ناصری می‌پردازد. در دوره ۵۰ ساله حکومت ناصری قسمت اعظمی از راه های این منطقه متحول شد و، همچنین، مسائل سیاسی و مذهبی بر وسعت و ساختار شهری قم تأثیر متناهی گذارد و این جریان گسترش فرهنگ و گروه های اجتماعی مختلفی پدید آورد. این تحقیق با توجه به این مسائل در صدد پاسخگویی به پرسش های

عرب نام قم را از منابع محلی و منابع مکتوب دیوانی که الان در دست نیست احصا کرده باشند (ابن حوقل، ۱۹۳۸م: ۲/ ۳۷۰، ۳۶۱، ۳۵۸؛ یعقوبی، ۱۴۲۲ق: ۷۱، ۸۴-۸۵؛ ابن فقیه، ۱۴۱۶ق: ۲/ ۳۲، ۵۶، ۴۱۷؛ مقدسی، ۱۴۱۱ق: ۵۲، ۲۵۸، ۳۸۴). برخی جغرافیانگاران «کُمندان» را نام قدیم قم در دوران پیش از اسلام دانسته اند (حموی، ۱۹۸۴م: ۴۸۰؛ بغدادی، ۱۴۱۲ق: ۳/ ۱۱۷۸)؛ ولی این نام در کتاب خسرو گواتان و ریزگ ساسانی (شاه خسرو و ریدک قبادی) آمده است (شاه خسرو و ریدک قبادی، ۱۳۴۳: ۸۴). بنابراین، ذکر نام قم با همین شکل، نشان دهنده آن است که حداقل تا قرن دوم هجری، این نام استعمال می شده است و سلسله روایت هایی که براساس دوره اسلامی، جامعه اشعری ها را مبنای شکل گیری این نام قلمداد کرده اند، درست به نظر نمی رسد.

۲. وضعیت راه ها و مسافت ها

۲-۱. راه قم - تهران

راه قم به تهران و برعکس، در دوره ناصری، از سه شاخه راه تشکیل می شد که در زمان های مختلف از آن استفاده شده است. پیش از دوره ناصری، راه های دیگری متداول بود که در این دوره استفاده اندک از آن می شد (Schindler, 1897: 54). علل تغییر این راه ها چند چیز بوده است: الف) مناسب نبودن جاده قدیمی به دلیل ناهمواری هایی که بدان پرداخته خواهد شد؛ ب) کمبود استراحتگاه (کاروانسرا) و بعضاً قدیمی و نامناسب بودن آنها که به وفور در سفرنامه های این دوره یافت می شود؛ ج) نبود امنیت نسبی مسافران و

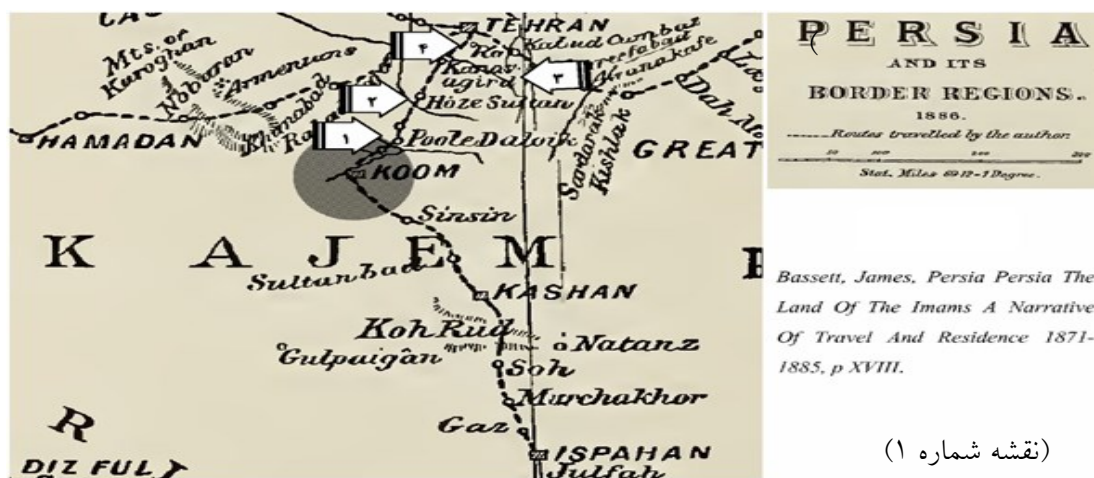
ایستگاه های نظارتی حکومتی.

الف) جاده قدیمی: راه متداولی (ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۳، ۲۰۱) که در اوایل دوره ناصری تا دهه پایانی قرن سیزدهم هجری از آن استفاده می شد و دارای ۷ ایستگاه به نام های پل دلاک، صدرآباد، حوض سلطان، دره ملک الموت، کناره-گرد، کهریزک و عبدالعظیم حسنی بود (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲، ۳-۲).

مسافت راه قم و تهران ۲۲ فرسخ بود (Abbott, 1855: 25/ 7). به گمان برخی سیاحان این راه تنها مسیر تقریباً هموار و تا حدودی قابل استفاده از وسایلی همچون درشکه در ایران بود (Rees, 1855: 4). اگر مسیر حرکت را از قم به تهران در نظر بگیریم، پل دلاک نخستین ایستگاه بود. با حرکت کاروانی به طور معمول از قم تا پل دلاک چهار ساعت و نیم فاصله زمانی (بروگش، ۱۳۸۹: ۵۴۰) و در حدود ۴ فرسخ مسافت بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۲۰۱؛ ادیب الملک، ۱۳۶۴: ۲۸۸؛ افشار ارومی، ۱۳۸۶: ۲۶۸). از پل دلاک مسیر به کاروانسرای صدرآباد ختم می شد که در یک فرسخ و نیم آن قرار داشت. ما بین این مسیر دره ماهور می گذشت و میان دره ماهور مقداری از راه باریک می شد (سیف الدوله، ۱۳۶۴: ۳۸۱-۳۸۲؛ Stack, 1882: 2/ 140). صدرآباد در اول جلگه و کویر قرار داشت (همان: ۳۸۲) و تا حوض سلطان بیابانی لم یزرع قرار گرفته بود که تا سه فرسخ شوره زار مابین این دو ایستگاه را پوشانیده بود (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۶۶؛ افشار ارومی، ۱۳۸۶: ۲۸۶-۲۶۹؛ افشار، ۱۳۸۲: ۷۰-۷۱؛ Mounsey: 1872, 173-174; Ussher, 1865: 608). از حوض سلطان تا دره ملک

سیاح، ۱۳۵۹: ۶۶). مسیر بین حوض سلطان و کناره‌گرد، به تناوب، از تپه ماهور و بیابان و جلگه هموار تشکیل می‌شد و به قول فرو کواوا «سه-چهار بار از این یک به آن یک» تغییر می‌کرد (فوروکواوا، ۱۳۸۴: ۲۴۴). مسیر بعدی پس از عبور از گردنه کناره‌گرد به ایستگاه کهریزک ختم می‌شد (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۶۶) و بالاخره، مسیر پایانی هم شهر ری و عبدالعظیم حسنی بود که مسافران از یکی از دروازه‌های تهران وارد پایتخت می‌شدند (نقشه شماره ۱) (همان؛ ماساهارو، ۱۳۷۳: ۱۵۵؛ فوروکواوا، ۱۳۸۴: ۲۴۷).

الموت در حدود یک فرسخ راه بود. این مسیر دره های بسیاری داشت، اما فراز و نشیب چندانی نداشت (حاج سیاح، ۱۳۵۹، ۶۶؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۲/۳-۴). این ناحیه به نبود سرسبزی و سیمای ویرانش شناخته شده است (Ussher, 1865: 610-611; Bassett, 1887: 147). پس از عبور از ناحیه کوهستانی ملک الموت - از سمت تهران به قم - جاده به سمت حوض سلطان در مسیر سراسیمه قرار می‌گرفت و رو به پائین می‌رفت (کرزن، ۱۳۸۰: ۲/۳). پس از عبور از دره فوق، کاروانسرای صدرآباد قرار داشت. از صدرآباد تا کناره‌گرد، که از کنار رود شور می‌گذشت، راهی بسیار پر گرد و غبار و ناهموار قرار داشت (حاج



Bassett, James, *Persia Persia The Land Of The Imams A Narrative Of Travel And Residence 1871-1885*, p XVIII.

(نقشه شماره ۱)

ب) جاده نو: این جاده در ۱۸۸۳-۱۸۸۴ م/۱۳۰۰-۱۳۰۱ق با ابتکار ابراهیم امین السلطان برای تسهیل مسافرت زوار احداث شد. و در زمان میرزا علی اصغرخان امین السلطان بر آبادی آن افزوده شد. اگر مسیر قم-تهران را در این جاده جدید در نظر بگیریم، فاصله آن ۲۴ فرسخ بود (نجم الدوله، ۱۳۸۶: ۵۶). مسافر ابتدا پس از خروج از قم با طی مسافت چهار فرسخ به منظریه می‌رسید (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۷). مسیر فوق مستقیم بود فقط در میانه راه کمی منحرف می‌شد تا از پل دلاک عبور شود (فووریه، ۱۳۶۳، ۲۵۳). بانوعلویه کرمانی این مسیر را تمام شوره‌زار و همچون کفه نادری در خراسان وصف می‌کند (کرمانی، ۱۳۸۶، ۱۱۴-۱۱۷). پس از حرکت از منظریه با فاصله یک فرسخ منزل باغ رباط قرار داشت و پس از آن طی دو فرسخ دریاچه ساوه^۱ نمایان می‌شد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۲۸). قبل از دریاچه ساوه راه به دو قسمت می‌شد: یکی به سمت کوشک-نصرت و علی‌آباد می‌رفت، که جاده اصلی راه شوسه همان بود. مسافت بین این دو ایستگاه یک فرسخ و نیم بود (محمدحسن میرزا مهندس و علیخان مهندس، شماره قفسه ۳۰۴۶، ۶-۷؛ رکن-الدوله و محمدتقی میرزا، شماره قفسه ۳۷۶۹، ۶)؛ دیگری از کنار دریاچه ساوه می‌گذشت و مسافت نسبت به جاده قبل کمتر بود (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۲۸). یعنی مسیر را بدون گذشتن از کوشک نصرت به علی‌آباد می‌رساند، ولی امکانات جاده

قبلی را نداشت. حد فاصل بین جلگه قم تا کوشک نصرت، پوشیده از ریگستان‌ها و تخت نمک‌های فراوان بود (فووریه، ۱۳۶۳: ۲۵۲). در میان مسیر بین علی‌آباد تا حسن‌آباد، که هشت فرسخ بود (رکن‌الدوله و محمدتقی میرزا، شماره قفسه ۳۷۶۹: ۴-۵)، راه آن کاملاً در میان ماهور و کویر قرار داشت و از کنار صدرآباد خرابه گذر می‌کرد (محمدحسن میرزا مهندس و علیخان مهندس، شماره قفسه ۳۰۴۶، ۳-۵). همچنین میان این دو منزل چند ایستگاه رفاهی وجود داشت، که مهمترین آن قلعه حاج محمدعلی‌خان بود که به فاصله سه فرسنگی علی‌آباد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۳۱) و چهار فرسخی حسن‌آباد قرار داشت (محمدحسن میرزا مهندس و علیخان مهندس، شماره قفسه ۳۰۴۶، ۵). از حسن‌آباد تا کهریزک هم سه فرسخ و نیم و از کهریزک تا تهران سه فرسخ و ربع معمولی بود (همان: ۲-۳). از حسن‌آباد تا ری و عبدالعظیم حسنی هم ۵ فرسخ بود (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۳۲).

۲-۲. سایر راه‌ها

راه قم به اصفهان: عمدتاً راه‌هایی که از قم به مقصد اصفهان و یا برعکس ختم می‌شد، بیشتر از طریق جاده نی‌زار، دلیجان، محلات، مورچه خورت، اصفهان بود (پیرزاده‌نائینی، ۱۳۴۲: ۱/۷-۹). هر چند مهندسین راه شناس دوره ناصری راه طایقون، نی‌زار، خرهه، محلات، مزاین، گلپایگان،

است. وی از چهار رودخانه در این مسیر به نام‌های رودخانه قم، قراچای، شور و رودخانه‌ای نزدیک حسن‌آباد نام می‌برد (برای اطلاع بیشتر، نک: Biddulph, 1891, 645-647)

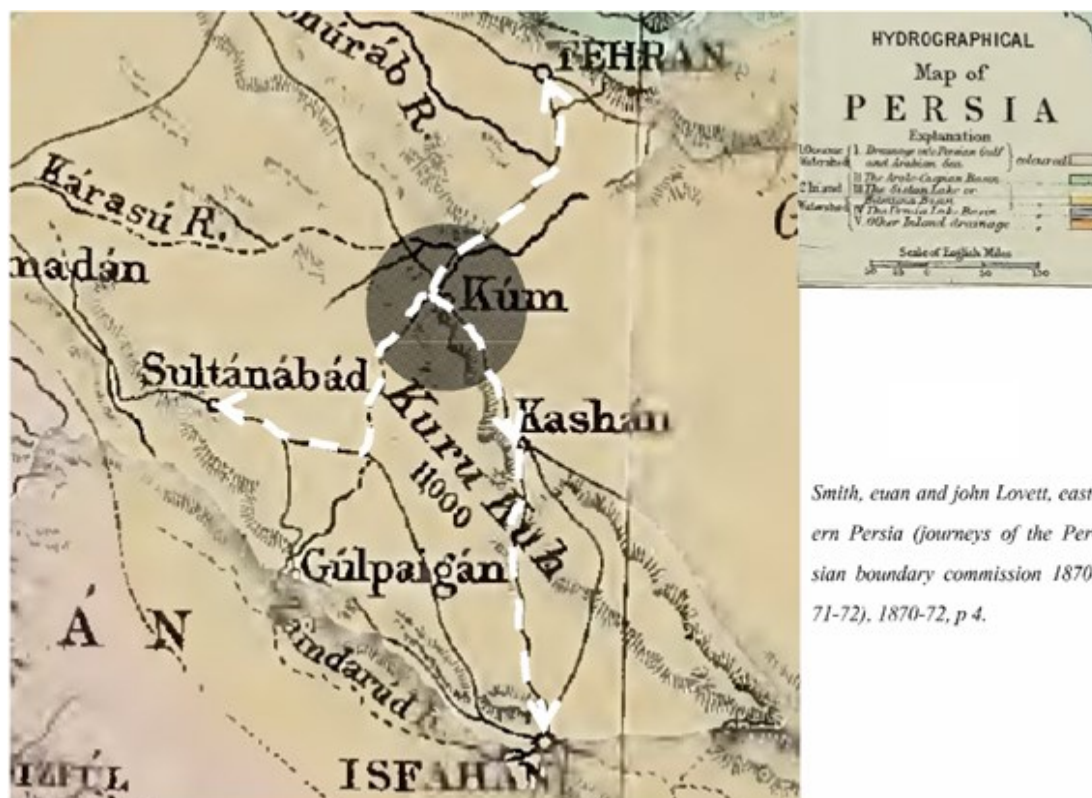
۱. آقای بیدولف در نوشته‌ای به بررسی رودخانه‌های مسیر بین قم و تهران از لحاظ قدمت، جغرافیای تاریخی و طبیعی پرداخته

کاروانی بوده است. این مسیر از قم به کاشان، از لنگرود شروع می‌شد و به تفاوت مسافت‌های مختلف از ایستگاه‌های پاسنگان، شوراب، قریه سن سن عبور می‌کرد و سپس به نصرآباد در سه فرسخی شمال کاشان ختم می‌شد (نک: بروگش، ۱۳۸۹: ۵۳۷؛ کرزن، ۱۳۸۰: ۱۳/۲؛ محمدحسن میرزا، شماره قفسه ۳۰۴۶، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۴۸؛ کارگزار، ۱۳۸۳: ۳۴؛ Basset, 1887: 149). به طور کلی، راه بین قم و کاشان، از طیف وسیعی از تپه‌های آتشفشانی، کویرهای گسترده و دره ماهور تشکیل می‌شد (نقشه شماره ۲) (نجم‌الدوله، ۱۳۸۶: ۱۴۸؛ Mounsey, 1872: 176-177).

خوانسار، دمنی، قلعه‌ناظر، تیران، نجف‌آباد را برای مسیر مسافرت شاه پیشنهاد می‌کنند (محمدحسن- میرزا مهندس و علیخان مهندس، شماره قفسه ۳۰۴۶، ۱۰-۳۳). فاصله بین قم و اصفهان شش فرسخ بود (بخارایی، شماره قفسه ۹۹۲۹، ۱۴۸). به قول بروگش وضعیت جاده بین اصفهان و قم به خاطر خاکی و سنگلاخ بودن، بسیار بد بود. لذا وقتی که باران می‌بارید عبور و مرور را بسیار سخت می‌کرد (بروگش، ۱۳۸۹: ۵۳۸).

راه قم به کاشان: راه قم به کاشان و برعکس که ۱۶ فرسخ بود (بخارایی، شماره قفسه ۹۹۲۹، ۱۴۸-۱۴۹)، همواره یکی از مهم‌ترین مسیرهای

(نقشه شماره ۲)



۳. ویژگی های اجتماعی

همته شهر و منشأ جمعیت: این شهر در یک جلگه مسطح واقع شده و بسان یک جواهر در میان تپه‌ها محصور شده بود (Arnold, 1877: 209).

همچنین، شهر در محاط باغ‌های گسترده قرار داشت (Ussher, 1865: 607)، چنان‌که درختان

به خوبی در کنار تپه‌های زرد و سرخ مشخص می‌شدند (فوری، ۱۳۶۳: ۲۵۳). شهر از طرف

مغرب به رودخانه قم منتهی می‌شد و این رودخانه به دیوار شهر متصل می‌گشت (عضدالملک، ۱۳۷۰:

۳۴) و آبادی قم از همین طرف راست ساحل رود قم بود (فوری، ۱۳۶۳، ۲۵۳).

در ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه، هر چند

شهر وسعت زیادی داشت، در میان خرابه‌های

دیوار شهر محصور گشته بود (Abbott, 1855: 196, 193, 2/ 9; Binning, 1857: 2/ 193, 196).

خیابان‌هایش خاکی بود؛ چنان‌که با آمدن باران و

برف مسیر عبور به واسطه گل و لای بسیار مشکل می‌شد. میادین شهر بدون نقشه و مخروبه بود و

بازارها و دکاکین طراحی مناسبی نداشتند (ویلز،

۱۳۶۸: ۴۱۵؛ بروگش، ۱۳۸۹: ۵۳۸). برج و باروی

شهر به مرور زمان تخریب شده بود، به طوری که

در اواخر دوره ناصری فقط قدری از برج برجا

بوده است (ادیب الملک، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۱۱؛

اعتمادالسلطنه، ۲۵۳۶: ۵۵۹).

در واقع، به مرور ایام با خراب شدن دیوارهای

خشتی شهر و به سبب خاک، مادام در گرد و غبار

قرار داشت. به طور کلی می‌توان ادعا کرد که بخش

بزرگی از شهر در حالت ویرانی قرار داشت

(Arnold, 1877: 209; Ussher, 1865:)

607-608). به نظر می‌رسد این خرابی‌ها یادگار

حمله و تسلط افغان‌ها بوده است (سرنا، ۱۳۶۲:

۱۴۴؛ Abbott, Windet, 1891: 115

8/ 25: 1855)، که بخش بزرگی از آن، پس از آن

واقعه، هیچگاه بازسازی نشد (Binning,

1857: 2/ 193).

به هر حال، این حالت ویرانی شهر بیشتر برای

ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه بوده است. برخلاف

ابتدای شهر، میانه آن پررونق تر و دارای بازارها و

میادین تمیزتری بود (بروگش، ۱۳۸۹: ۵۳۸). براون

۱۸۸۷م/۱۳۰۵ق هم، همچون بروگش، به استثنای

محلات جنوبی، بقیه شهر را خوب عنوان می‌کند

(براون، بی تا: ۱۶۲). به طوری که در ابتدای قرن

چهاردهم هجری شهر قم بسیار آباد و معمور

گزارش شده است (بخارایی، شماره قفسه ۹۹۲۹،

۱۴۶). به نظر می‌رسد با به قدرت رسیدن خاندان

امین السلطان در اواخر قرن سیزدهم، کم‌کم شهر

قم رونق گرفته باشد. با این همه، شهر از دید

سیاحان غربی، گورستان بزرگی محسوب می‌شد

(Bird, 1891: 1, 168, Stack, 1882: 2/ 139).

از ابتدای دوره ناصری، به خاطر نوع نگاه

خاص حکومت و مردم به قم، کم‌کم به وسعت

آن افزوده شد. به طوری که در نیمه دهه نهم قرن

سیزدهم هجری ربعی بدان افزوده شد (اعتصام

الملک، ۱۳۵۱: ۶۰) و از اواخر قرن سیزدهم هجری

شهر وسیعی محسوب می‌شد (دیولافوا، ۱۳۷۸:

۲۲۰؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۴۲؛ عین السلطنه، ۱۳۷۴:

۳۰۵، ۳۱۰). چهار دروازه به نام های خاکفرج،

ری، قلعه (مشهور به کاج) و اصفهان داشته است

(ادیب الملک، ۱۳۶۴: ۲۸۷). در این میان ادوارد

بروان، در ابتدای قرن چهاردهم هجری، ۵ دروازه

محلّه ها و گروه های اجتماعی: یکی از نکات مهمی که از دید ادیب‌الملک - حاکم دو دهه پایانی قرن سیزدهم هجری - پنهان نمانده است، نبود کدخدا برای محلات شهر بود. ولی وی به این وضعیت نابسامان پایان می‌دهد و با همکاری ریش‌سفیدان، محال قم را به چهار بخش تقسیم و برای هر محله کدخدایی انتخاب می‌کند (همان: ۱۱۰-۱۲۴). وی در ابتدای دوره ناصری ۵۰۰۰ خانه گزارش کرده است (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴: ۲۵۸). ولی خود وی زمانی که حاکم قم می‌شود، به توسط کدخدایان در سال ۱۲۷۹ق از ۳۹۶۸ خانه نام می‌برد (ادیب‌الملک، ۱۳۹۰: ۱۴۶). در تحقیقی دیگر که در سال ۱۲۹۶ق انجام شده، از ۳۷۲۴ خانه نام برده شده است (قم‌نامه، ۱۳۶۴: ۱۱۳-۱۱۶). این شهر دارای چهار دسته سادات حسینی، طباطبایی، موسوی و رضوی بود (همان: ۷۷-۸۴).^۱ همچنین، از طوایف و ایلات مختلفی تشکیل می‌شد، که عبارت‌اند از: بیگدلی، حاجی حسینی، زندیه، سعدوند، گائینی، کلهر، لشنی و کرزه بر، عبدالملکی، خلج شادقلی. که جمعیت کل آنان در زمان نگارش رساله (۱۲۹۶ق)، ۲۹۰۰ برشمرده عنوان شده است (همان).

منابع آب: منابع آب شرب قم از رودخانه لعل بار تأمین می‌شد. این رودخانه از طرف غرب جریان می‌یافت و به سمت شمال شرقی می‌رفت تا اینکه در بیابان محو می‌شد که گفته شده از

نام می‌برد (براون، بی تا: ۱۶۱). قسمت بزرگی از جمعیت شهرزا، به نسبت مردم عادی ملا و سید تشکیل می‌داد (فووریه، ۱۳۶۳: ۲۵۰). ابات در ابتدای دوره ناصری افزایش تدریجی جمعیت را پیش بینی می‌کند. وی جمعیت آن دوره را ۱۲۰۰۰ نفر عنوان می‌کند. هر چند با توجه به گزارش منابع محلی و تعداد چشمگیری خارجی‌ها، جمعیت احتمالی شهر را ۲۰۰۰۰ نفر می‌آورد (Abbott, 1855: 25/ 9). بروگش، جیمز باست و بیرد-با فواصل زمانی یک دهه از هم - جمعیت قم را بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر بر می‌شمرند (بروگش، ۱۳۸۹: ۵۳۹-۵۴۰). هر چند جیمز باست معتقد بود سالیان پیش جمعیت قم بیشتر بوده است؛ چنان‌که خرابی قم در منطقه شرقی را، علت کاهش جمعیت عنوان می‌کند (Bassett, 1887: 149). گمانه‌های دیگری از طرف برخی سیاحان زده شده است، که نسبت جمعیت را از ۷۰۰۰ نفر تا ۳۵۰۰۰ نفر تخمین می‌زنند (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۴۲؛ عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۳۱۰/۱؛ Schindler, 1897: 57). به هر حال، به نظر می‌رسد که دقیق‌ترین آمار جمعیت توسط ادیب‌الملک - حاکم قم - برآورد شده باشد. وی که به کمک کدخدایان به احصای اهالی قم پرداخته بود، جمعیت آن را در اواخر قرن سیزدهم ۲۲۴۷۳ نفر بر می‌شمرد (ادیب‌الملک، ۱۳۹۰: ۱۴۶). هر چند به خاطر نادانی مردم یا وهن آنان از دادن آمار درست به ماموران احصائیه، تعداد آن را بیشتر می‌دانست.

۱. رساله‌ی دیگری که در مجموعه قم‌نامه آمده و آن هم تاریخ ۱۲۹۶ق را دارد، برخلاف رساله فوق جماعت طوایف را کمتر اعلام می‌کند! (نک: قم‌نامه، ۱۳۶۴: ۱۱۷-۱۲۱).

درازی است فقط چند معبر اریب دارد. محوطه بازار عریض و دکان‌ها بزرگ و پراز جنس است (کرزن، ۱۳۸۰: ۷/۲). بازار با عبور الاغ‌ها در یک مسیر یک طرفه و از طرف دیگر با عبور گاو و گوساله در ازدحام و شلوغی عجیبی به سر می‌برد (Le Messurier, 1889: 260). در کنار آن خود کاسب‌های زرنگ، متاع و کالاها را بر دوش می‌گرفتند و این طرف و آن طرف می‌شدند. به خصوص در زمانی که بازار از سیل زوار شلوغ شده بود (Schindler, 1897, 65).

در بازار دکان‌های مختلفی وجود داشت که کالاهای چرمی، زین‌های اسب، ظروف سفالی، تیغه‌های شمشیر، صابون و ... در آن عرضه می‌شد (بروگش، ۱۳۸۰، ۵۳۹-۵۴۰). اما مهم‌ترین کالا ظروف سفالین بود، که اغلب از لحاظ اشکال و رنگ‌های نیلگونی عالی بودند. چنان‌که صنعت سفالگری از صنایع مهم این شهر تلقی می‌شد (Bird, 1891: 170). آرتور آرنولد هم سفال قم را، نسبت به دیگر شهرهای ایران، با کیفیت‌تر و ارزان‌تر معرفی می‌کند (Arnold, 1877: 220)؛ زیرا این صنعت، در برخی موارد از طرحی زیبا و با استادی تمام ساخته می‌شد (Windt, 1891: 117). وامبری هم معروفیت بازار قم را به خاطر وفور هندوانه و دکان‌های سفالینه فروشی و رنگرزی می‌ستاید (وامبری، ۱۳۸۱: ۹۶). ایزابل بیرد کالاهای بازار را بسیار زیاد توصیف می‌کند. وی نوشته است که ۱۰ درصد کل دکان‌ها، به طور انحصاری کالاهای خوب منچستر را عرضه می‌کردند (Bird, 1891: 170). در گزارش دیگر گفته بودند در آنجا ۴۰۰ مغازه وجود دارد؛ ولی

کوه‌های زردکوه نزدیک بروجرد سرچشمه می‌گرفت (Abbott, 1855:25/ 9). ولی این آب به خصوص در تابستان‌ها گرم و شور بود. بدین سبب، با کندن چاه و ذخیره آب در زمستان تا حدودی از گرمی و شوری آن رهایی می‌یافتند (ادیب‌الملک، ۱۳۶۴: ۲۸۶؛ سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۴۸). از این رو، نظام‌العلما نوشته است که اغلب خانه‌های شهر قم چاه داشتند (تبریزی، شماره قفسه ۹۹۳۰، ۲۶۰). شیندلر هم منابع آب قم را وسیع ذکر می‌کند ولی به شوری و بدی آن اشاره دارد (Schindler, 1897: 65). به قول استاک، میزبان وی در شهر قم فقط آب شور می‌نوشید؛ به طوری که وی در عرض سه سال اقامت در قم، قدرت تشخیص شوری آب را از دست داده بود (Stack, 1882:2/ 138).

حفر قنات هم یکی دیگر از راهکارهای تأمین آب قم بود. هر چند موانع و مشکلات بسیاری بر سر این راه قرار داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۸/ ۹۹؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۲۷۵، ۲۹۰). قنات‌های معروف قم به قنات مبارکه ناصری و قنات میرزا ابوالقاسم اصفهانی مشهور بودند (قم‌نامه، ۱۳۶۴، ۱۲۵).

بازار و اصناف: بازارهای قم، چه در ابتدای دوره ناصری و چه در اواخر، آن معتبر، مفصل، وسیع و شلوغ بود (دوگوبینو، ۱۳۸۳: ۱۹۰؛ سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۰۲). به نسبت از بازار اصفهان کوچک‌تر بود، ولی در شباهت با آن پهلو می‌زد (Collins, 1896: 258). برخی دارای سقف و برخی بدون سقف بود (کرمانی، ۱۳۸۶: ۱۱۴). لرد کرزن گوید «بازار که سرپوشیده و راسته

ج) کاروان حمل مردگان: یکی از دلایل اصلی رونق اقتصادی شهر قم، حضور کاروان‌های مردگان بود؛ زیرا سالیانه هزاران مرده را برای دفن به قم می‌آوردند، که این جریان منبع بزرگ ثروت برای این شهر محسوب می‌شد (Bird, 1891: 167-168). چنان‌که بدون در نظر گرفتن آن، «قم چیزی» نبود «جز یک کویر»؛ از این رو، دورو ششوار معتقد است که اگر پول زوار و مردگان به شهر نمی‌آمد، قمی‌ها در رتق و فتق امور روزمره درمی‌ماندند (دوروششوار، ۱۳۷۸: ۵۰). همچنین، به نظر می‌رسد که حضور کاروان اجساد در قم، حمل و تدفین مردگان را به یک شغل عمومی مبدل کرده بود (شل، ۱۳۶۲: ۱۵۳؛ Mounsey, 1872: 174).

۴-۲- عوامل داخلی

در کنار جاذبه‌های خارجی یادشده، چندین عامل داخلی هم در مباحث اقتصادی مهم است، که عبارت‌اند از:

الف) کارگاه‌ها و کارخانه‌ها: ۱. کارگاه‌های سفال: در قم سفال‌گری بسیار معروف بود (Le Messurier, 1889, 261) و انواع مختلف ظروف سفالین اعم از «کوزه و چراغ و قلیان و گلدان و دکمه و اشیاء کوچک» تولید می‌شد. دیگر اینکه، این ظروف به نسبت دیگر جاها بسیار ارزان قیمت بود (براون، بی تا، ۱۶۱). رشد کارگاه‌های ظروف سفالین بیشتر به سبب خاک رس ویژه‌ای است که در مجاروت آن یافت می‌شد (وامبری، ۱۳۸۱، ۹۶؛ Collins, 1896: 261؛ ۲). کارگاه-های روغن‌کشی: کارگاه روغن‌کشی توسط شتر

ابات اذعان می‌کند که با شمارش وی ۳۷ عدد بوده است، که عمدتاً به صورت انحصاری محصولات منچستر را می‌فروختند (Abbott, 1855:25/9).

۴. ویژگی‌های اقتصادی

شهر قم به لحاظ اقتصادی، ویژگی‌های فراوانی داشته است.

۴-۱. عوامل خارجی:

الف) موقعیت گذرگاهی و مزیت‌های آن: به سبب واقع شدن در شاهراه مواصلاتی کشور، همواره به عنوان یکی از مراکز مهم داد و ستد کالا شناخته می‌شد (فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۴۲). دیگر اینکه مسافران برای طی مسافت شمال به جنوب یا شرق به غرب مجبور بودند در شهر اسکان پیدا کنند و یا استراحت نمایند، که بعد مذهبی شهر آن را تقویت می‌کرد. این جریان زمینه‌های رشد و توسعه شهر را فراهم می‌کرد.

ب) موقعیت زیارتگاهی و توسعه شهر: همواره یکی از مهم‌ترین منابع درآمدزایی شهر قم، گردشگری مذهبی بوده است؛ زیرا مسافران زیادی که به همراه کاروانیان برای زیارت قم مشرف می‌شدند، علاوه بر اسکان، خریدهای بسیاری برای رفع حوائج روزمره و با تهیه اسباب مسافرتی و ... انجام می‌دادند. بنابراین، از آنجایی که بیش از ۸۰ درصد مسافران به قصد زیارت به این شهر قدم می‌گذاشتند (ویلز، ۱۳۶۸: ۴۱۵)، همواره زمینه مذهبی، رونق اقتصادی به همراه داشته است؛ و این رونق اقتصادی به طوری طبیعی، زمینه‌های رشد و توسعه شهر را به دنبال داشته است.

لذا، به طور طبیعی درآمد اصلی ساکنان شهر از این روش تأمین می شد. ببرد باغ ها و زمین های زراعی، که با آبیاری مخصوص در اطراف شهر پراکنده بودند را می ستاید (Bird, 1891: 166-167).

گندم فقط یک دهم کشاورزی قم بود و بقیه صرف کاشت جو می شد (ادیب الملک، ۱۳۹۰: ۱۰۸). با این همه، گندم قم فراوان و کیفیت مطلوبی داشت و قیمتش ۳۰ تا ۴۰ درصد ارزان تر از تهران بود (Schindler, 1897: 65). مزارع ذرت سبز هم در کنار قم وجود داشت (Mounsey, 1872: 174). محصولات دیگر همچون باقلا، جوزق، کرچک، هندوانه، خربزه، خیار، سبزیجات، برنج، پنبه دانه کنجد، تنباکو و تریاک در آن به کشت می رسید. اما هیچ یک از این محصولات به مقدار زیاد تولید نمی شد (قم نامه، ۱۳۶۴: ۹۰، ۹/ 25/ 1855: Abbott). در میان محصولات کشاورزی، پنبه، به دلیل آبیاری خوب، کیفیت بسیار مطلوبی داشت؛ تا جایی که به روسیه صادر می شد (نجم الدوله، ۱۳۱۱ق: ۷۸). به طور کلی، در ۳۷ مزرعه عمده قم، قریب به ۱۵۱۳ عمده کار می کردند (قم نامه، ۱۳۶۴، ۹۲-۱۰۳).

(د) معادن: به گفته لرد کرزن، حد فاصل بین قم و اصفهان منابع معدنی فراوانی داشت. وی از رگه های عالی مس و سنگ آهن در حوالی قهرود نام می برد (کرزن، ۱۳۸۰: ۲/ ۶۱۸). همچنین معدن سنگ خاکستری، که در چاپخانه ها به مصرف سنگ باسمه می رسید (سیف الدوله، ۱۳۶۴: ۳۴۹)، به وفور یافت می شد. دیگر اینکه، به قول ماساهارو، محصول عمده شهر سنگ نمک بود (ماساهارو، ۱۳۷۳: ۱۴۹).

کار می کرد و روغن به سبک آسیاب از آن گرفته می شد (براون، بی تا، ۱۶۱)؛ ۳. کارخانه بلورسازی: بنای این کارخانه در سال ۱۲۶۷ق گذاشته شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۷۱۲)؛ ولی بعد از امیرکبیر رو به ویرانی رفت تا اینکه در حوالی سال ۱۲۹۰ق دوباره رونق گرفت. به قول نظام العلماء، در قم وسایلی شبیه به چینی و بلور می ساختند که کیفیتی مناسب داشت (تبریزی، شماره قفسه ۹۹۳۰، ۲۶۰؛ ۴). کارخانه کاغذ: کارخانه کاغذ هم در یکی از مکتوبات ناصرالدین شاه به فرخان امین الدوله آمده است.

(ب) کالاهای صنعتی و دستی: ابات قم را شهر صنعتی یا تجاری نمی دانست. در صورتی که از بیست کاروانسرا و انواع کالاها از جمله چینی و سفال های ارزان و با کیفیت در قم نام می برد (Abbott, 1855: 25/ 9). این کالاها شامل گلاب، صابون، شیشه، کاسه، بدل بلور، پارچه، کارد و چنگال، قندان و میوه خوری و دیگر چوبک، گل سرشور، کرباس، چادرشب، روتختی، ارسی، کفش زنانه، کاشی آلات، جاروب، ترمه، چیت، قلمکار، لحاف، سفره، شوره، گلیم، خرسک و سنگ نمک بود (Binning, 1857: 2/ 193). نجم الدوله، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۸؛ ادیب الملک، ۱۳۶۴: ۲۸۷؛ بخارایی، شماره قفسه ۹۹۲۹، ۱۴۸؛ ماساهارو، ۱۳۷۳: ۱۴۹).

(ج) کشاورزی: کشاورزی پیشه اصلی مردم شهر بود (ادیب الملک، ۱۳۹۰: ۱۰۸). صنعت کشاورزی قم از چند لحاظ تقویت می شد: ۱. سیستم آبیاری مناسب به وسیله حفر کانال ها و کشیدن آب از چاه؛ ۲. ساختن سد بر روی رودخانه.

مایل بودند اجسادشان در کنار یکی از قدیسین آرام بگیرد؛ زیرا از این طریق امیدوار بودند که شاید جواز دخول در بهشت را در ظل عنایت آن اولیای الهی به دست بیاورند (Mounsey, 1872: 174; Rees, 1885: 18; Bird, 1899: 29). بدین سبب، برخی سیاحان، قم را سنگر خرافات معرفی می‌کردند (Stack, 1882, v2, 136). به هر حال شهر قم برای دفن مردگان به خاطر مسائل مذهبی بسیار محبوب بود. چنان‌که جنازه‌ها را از شهرهای دور با حیوانات باربر به این شهر حمل می‌کردند و کاروان‌هایی از مردگان به راه می‌انداختند (Smith and Lovett, 1876: 152; Bassett, 1887: 149, Arnold, 1877: 201; Collins, 1896: 257; Windt, 1891: 114).

مراسم‌ها: در روزهای مختلفی از سال آیین‌های دینی و ملی در قم برگزار می‌شد؛ هر چند رنگ آیین‌های مذهبی پررنگ‌تر بود. قدر مسلم برگزاری مراسم عاشورا یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی مردم بود. این جریان، به فراخور موضوع، در سفرنامه‌های سیاحان دوره قاجار آمده است. در این مراسم روضه خوانی، تعزیه و دسته‌های عزاداری جذابیت بسیار داشتند (دیوان بیگی، ۱۳۸۲: ۲۲۵). ولی در این مراسم، به سبب تنظیم نبودن وقت عبور و مرور دسته‌های عزاداری، نزاع‌ها و حتی قتل‌های بسیاری وقوع می‌گرفت (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۱: ۲۷۷). جشن‌های ملی هم به فراخور زمانی توسط مردم صورت انجام می‌یافت. کنت دو گوینو از جشن آتش بازی مراسم چهارشنبه‌سوری یاد می‌کند (دوگوینو، ۱۳۸۳: ۱۹۰).

ه) مالیات و اخذ عوارض شهری: ۱. مالیات: طوایف و ایلات قم، به طور کلی، در سال ۱۲۹۶ق، ۱۰۶۵ تومان مالیات و حق مرتع می‌پرداختند (قم نامه، ۱۳۶۴: ۱۱۷-۱۲۱). از ۲۹۲۵ خروار مزارع قم هم، جمعاً ۲۰۲۴ تومان مالیات گرفته می‌شد (همان: ۹۲-۱۰۳). ولی، روی هم رفته، مالیات قم در حدود ۳۵۰۰ تومان بود، که دو سوم آن به صورت نقد و یک سوم آن به صورت جنس پرداخت می‌شد (Binning, 1857: 2/ 198). عوارض شهری: در مسیر راه شوسه خارج از شهر، عرض راه را زنجیر انداخته بودند و از کسانی که قصد ورود به شهر داشتند عوارض اخذ می‌کردند. به طور مثال، از هر راس مالی که به طهران سفر می‌کرد، ۱۰ شاهی می‌گرفتند (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۲۶). مالیات این راه در سال ۱۳۰۳ق، ۶۰۰۰ ریال بوده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴: ۳۳۰/۱).

۳-۴. ویژگی‌های فرهنگی

شهر قم از لحاظ فرهنگی و مذهبی، براساس دو رویکرد، برای سلاطین و توده مردم مهم بود: الف) به عنوان یکی از مکان‌های مقدس که جایگاه حرم مطهر حضرت معصومه (س) و آرامگاه برخی امامزاده‌ها و پادشاهان در آن قرار داشت. بنابراین، سالیانه ده‌ها هزار نفر برای زیارت حرم حضرت معصومه (س) و دیگر اولیای الهی به آنها مسافرت می‌کردند (Bird, 1891: 166). ب) آرامگاه ابدی مومنین پرهیزگاری بود که پس از مرگ وصیت می‌کردند اجسادشان در قم دفن شود (Lord Weeks, 1896: 78). بیشتر ایرانی‌ها

عنوان غذای «بسیار لذیذ» نام می برد. همچنین، قونویت پلو و آش انار یکی از غذاهای معروف قم بود (ممتحن الدوله، ۱۳۵۳: ۲۳۳؛ عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۱ / ۳۱۱).

انواع میوه های در قم به عمل می آمد که انجیر، انار و خربزه از شهرت زیادی برخوردار بود. هر چند شهرت خربزه قم بیش از دیگر میوه های آن بود (حاج سیاح، ۱۳۵۹: ۶۶؛ سیف الدوله، ۱۳۶۴: ۳۴۶; Abbott, 1855:25/ 9; Arnold, 1877: 220). همچنین، میوه های خوب دیگری از جمله زرد آلو، هندوانه، انار و خیار وجود داشت، که کالینز از نوع آخری آن بسیار تعریف می کند (Collins, 1896: 261).

پوشاک: زنان قم از چادر بلندی برای پوشش استفاده می کردند که خیلی کم از رنگ سیاه استفاده می شد. عین السلطنه از این سبک پوشش تعریفی چندانی نمی کند و اعتقاد دارد «اهل قم خیلی بد چادر سر می کنند». وی به تمسخر می گوید زنان چادر شب رختخواب بر سر می کنند. برخی از زنان رو بند می زدند و برخی دیگر با دو دست چادر خود را می گرفتند (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۱ / ۳۰۹). شکارگاه: یکی از شکارگاه های معروف قم، کوه یزدان در شمال غربی شهر بود. قوچ، کبک و تیهو از مهم ترین شکارهای این منطقه بود (معیرالمالک، ۱۳۶۲: ۸۴-۸۵؛ افشار، ۱۳۸۲: ۷۱). از این رو، به واسطه این کوه و مجاورت آن با کویر، در دکان قصابی ها، اغلب گوشت شکار و آهو به فروش می رسید (دیوان بیگی، ۱۳۸۲: ۲۲۲). ناصرالدین شاه در دریاچه قم، قو شکار کرده بود؛ هر چند از وجود این پرنده در قم تعجب می کند

معماری: در نوشته های شرقی، هدف از سبک و سیاق معماری همسازی با طبیعت ذکر شده است. لذا گنبدها و قبه های قوسی نشان دهنده کوهستان ها و مناره هایشان برگرفته از درخت-هاست و پشت بام هایشان مسطح است. شاید در چنین مقایسه ای از معماری شرقی با طبیعت، ساختمان های بلند به خصوص در چشم انداز، بسیار کارا است؛ زیرا به دید آنها، برای تعیین مقیاس مسافت بیشتر کمک می کند، که بدون شک عنصر مهمی از زیبایی هم محسوب می شود (Arnold, 1877: 208).

مساجد و آرامگاه ها ساختمان های اصلی شهر تشکیل شده بودند (Windt, 1891: 115) و خانه های اصلی شهر در کنار این آرامگاه ها گسترش یافته بود. لذا از ویژگی های مهم آن، گنبدهای مخروطی شکل بود که در کنار خانه های مردم قرار داشت. این گنبدها بی گمان محل دفن امامزادگان بود (Smith and Lovett, 1876, 153). در یک نظر کلی، ساختمان های انبوه شهر به نوع معماری نیم گنبدی، خشتی و گلی بودند (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۲۱۷؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۴ / ۲۰۸۱). از آن جهت که آفت عمارت های این شهر موربانه بود؛ لذا جمیع ساختمان های شهر را با طاق آجری و خشتی می ساختند (سیف الدوله، ۱۳۶۴: ۳۴۸). همچنین کوچه ها و خیابان های آن پر پیچ و خم بود (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۲۱۷؛ Ussher, 1865: 607).

خوراک: مردم شهر غذاهای سنتی و متنوع داشتند که برخی از سیاحان از آن به نیکی یاد کرده اند. اعتماد السلطنه از غذای کباب لوله قم به

(ناصرالدین شاه، ۱۳۶۳: ۲۰۰). همچنین شکار آهو در مناطق دریاچه قم و حوض سلطان رواج داشت (دیوان بیگی، ۱۳۸۲: ۱۹۶).

بحث و نتیجه گیری

قم در دوره قاجاریه، به علت انتخاب تهران به عنوان پایتخت سیاسی کشور، موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی خاصی داشت. این شهر سه راهی مرکزی ایران به مسیرهای تهران، کاشان، سلطان آباد و اصفهان قلمداد می‌شد. دولت های ناصری کوشیدند که مسیرهای فوق را به صورت مطلوب و با کاروانسراهای فراوان احیا کنند. بنابراین، تغییر و تحولات جاده های این دوره به شلوغی مسیرهای منتهی به قم و تهران بازمی گشت؛ تا آنجا که مسیرهای فوق از بهترین جاده های ایران در آن دوره گزارش شده است. این ویژگی، امتیازهای فراوان اقتصادی را به همراه آورد. شکل گیری محورهای ترانزیت و داد و ستد کالا، یکی از مهم ترین عوامل خارجی مبحث اقتصاد شهر بود. همچنین حجم گسترده مسافران بین شهری، ایجاد و احیای جاده، کاروانسرا، چاپارخانه و ... را در اولویت اصلی دولت های ناصری قرار داد. از عوامل خارجی دیگر اقتصاد شهر می توان به بحث گردشگری مذهبی و از عوامل داخلی آن می توان به ایجاد کارگاه های صنعتی و کشاورزی اشاره کرد. در مقوله ویژگی های فرهنگی، بیشتر زمینه های مذهبی نمایان بود؛ لذا معماری، مراسم ها و انواع رویکردهای فرهنگی به فراخور ساخت مذهبی شهر، رنگ مذهبی داشت. جاذبه مذهبی یکی از مقوله های مهم است،

که برای توده مردم و حکومت قاجاریه اهمیت زایدالوصفی داشت. در زمینه اجتماعی هم علل و عوامل رشد و گسترش شهر تبیین شده، که خود وابسته به دیگر رویکردهای اجتماعی بود. که بررسی ساختار شهر، منابع تامین آب و ... از این دست است. روی هم رفته، این سه شق زمینه های رونق اقتصادی، تغییرات و تحولات جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی را به وجود آورد.

منابع

نسخ خطی و سنگی

تبریزی، نظام العلماء. سفرنامه رضوی، شماره قفسه ۹۹۳۰. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
رکن الدوله، و محمد تقی میرزا. سفر رکن الدوله و محمد تقی میرزا به شیراز، شماره قفسه ۳۷۶۹. کتابخانه ملی ملک.
محمد حسن میرزا مهندس و علیخان مهندس. جغرافی منازل عرض راه تهران بشیراز و بلعکس، شماره قفسه ۳۰۴۶. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
بخارایی، رحمت الله. سفرنامه حرمین شریفین، شماره قفسه ۹۹۲۹. کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
نجم الدوله، عبد الغفار بن علی محمد (۱۳۱۱ق). کفایه الجغرافی جدید. تهران: چاپ سنگی.

کتاب

ابن حوقل، محمد (۱۹۳۸م). صورة الارض. الطبعه الثانيه. بيروت: دارصادر.
ابن رسته، محمد بن عمر (۱۸۹۲م). الاعلاق النفیسه. بيروت: دارصادر.
ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق). البلدان. بيروت: عالم الكتاب.
ادیب الملک، عبدلعلی خان (۱۳۶۴). سفرنامه ادیب الملک به عتبات (دلیل الزائرین). به تصحیح مسعود

- گلزاری. تهران: دادجو.
- (۱۳۹۰). «شرح حکومت قم». شناختنامه قم.
- ج ۵. به کوشش علی بنایی. قم: نورمطاف.
- اعتصام الملک، میرزا خانلرخان (۱۳۵۱). سفرنامه. به کوشش منوچهر محمدی. تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۲۵۳۶). روزنامه *خاطرات اعتماد السلطنه*. به کوشش ایرج افشار. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۶۷). *مرآت البلدان*. به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران*. به کوشش ایرج افشار. چ ۲. تهران: اساطیر.
- افشار، حسنعلی خان (۱۳۸۲). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افشار ارومی، عبدالحسین خان (۱۳۸۶). *سفرنامه مکه معظمه*. به کوشش رسول جعفریان. تهران: علم.
- براون، ادوارد (بی تا). *یکسال در میان ایرانیان*. ترجمه ذبیح الله منصوری. چ ۲. تهران: کانون معرفت.
- بروسوی، محمد بن علی (۱۴۲۷ق). *أوضح المسالك إلى معرفة البلدان و الممالک*. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- بروگش، هینریش (۱۳۸۹). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه محمد حسین کردبچه. چ ۳. تهران: اطلاعات.
- بغدادی، صفی الدین (۱۴۱۲ق). *مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع*. ج ۳. بیروت: دارالجیل.
- بیک محمدی، حسن (۱۳۷۸). *مقدمه ای بر جغرافیای تاریخی ایران*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- پیرزاده نائینی، محمد علی (۱۳۴۲). *سفرنامه حاجی پیرزاده*. ج ۱. به کوشش حافظ فرمانفرمایان. تهران: دانشگاه تهران.
- ثعالبی، ابو منصور. (۱۹۶۳م). *غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم*. تهران: مکتبه الاسدی.
- حاج سیاح (۱۳۵۹). *خاطرات*. به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف الله گلکار. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*. ج ۴. الطبعة الثانية. بیروت: دار صادر.
- حمیری، محمد (۱۹۸۴م). *الروض المطار فی خبر الاقطار*. تحقیق احسان عباس. الطبعة الثانية. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- دوگوینو (۱۳۸۳). *سه سال در آسیا*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: قطره.
- دیوان بیگی، میرزا حسین خان (۱۳۸۲). *خاطرات دیوان بیگی*. به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریا گشت. تهران: اساطیر.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۸). *سفرنامه*. ترجمه همایون فره وشی. تهران: قصه پرداز.
- سدید السلطنه، محمد علی خان (۱۳۶۲). *سفرنامه*. به تصحیح احمد اقتداری. تهران: بهنشر.
- سرنای، کارلا. (۱۳۶۲). *آدمها و آیینها در ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: کتابفروشی زوار.
- سمعانی، ابوسعید. (۱۳۸۲ق). *الانساب*. ج ۱۰. بتحقیق عبدالرحمن معلمی. حیدرآباد: دایره المعارف عثمانیه.
- سیف الدوله، سلطان محمد میرزا قاجار (۱۳۶۴). *سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه*. تهران: نی.
- دوروششوار، کنت ژولین (۱۳۷۸). *خاطرات سفر ایران*. ترجمه مهران توکلی. تهران: نی.
- «شاه خسرو و ریدک قبادی» (خسرو قبادان و ریدک) (۱۳۴۳). *ترجمه از پهلوی و تصحیح و مقابله ایرج ملکی*. تهران: نشریه موسیقی.
- شل (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شل*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- شکویی، حسین و موسی کاظمی (۱۳۸۴). *مبانی جغرافیای شهری*. تهران: پیام نور.
- شیروانی، زین العابدین (بی تا). *بستان السیاحه*. تهران: سنایی.
- عضدالملک، علی رضا (۱۳۷۰). *سفرنامه عضدالملک به عتبات*. به کوشش حسن مرسلوند. تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- عین السلطنه، قهرمان میرزا سالور (۱۳۷۴). *روزنامه*

- نائبینی. به اهتمام محمد گلبن. چ ۲. تهران: اطلاعات.
- نجم الدوله، عبد الغفار بن علی محمد (۱۳۸۶). *سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- (۱۳۸۵). *سفرنامه خوزستان*. به کوشش دبیر سیاقی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- وامبری، آرمین (۱۳۸۱). *زندگی و سفرهای وامبری*. ترجمه محمد حسین آریا. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸). *ایران در یک قرن پیش*. ترجمه غلامحسین قراگزلو. بی جا: اقبال.
- یعقوبی، احمد (۱۴۲۲ق). *البلدان*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- Abbott, Keith Edward (1855). *Geographical Notes, Taken during a Journey in Persia in 1849 and 1850, Journal of the Royal Geographical Society of London*. V 25.
- Arnold, Arthur (1877). *Through Persia By caravan*. New York, Harper & Brothers, Publishers.
- Balee, William (2006). *The Research Program of Historical Ecology*, In *Annual Review of Anthropology*, V35.
- Bassett, James (1887). *Persia Persia The Land Of The Imams A Narrative Of Travel And Residence 1871-1885*. London: BLACKIE & SON.
- Biddulph, C.e. (1891). *journey across the western portion of the great Persian desert, via the Siah Kuh mountains and the Darya-i-Namak*. proceedings of the Royal Geographical Society and monthly record of geography. No. XI-Nov.
- Binning, Robert (1857). *A Journal of Two Years' Travel in Persia*. Ceylon, Etc, V 2, W. H. Allen and Company.
- Bird, Isabella (1891). *journeys in Persia and Kurdistan*. V 1. London: virago press.
- Bird, mary (1899). *Persian women and their creed*. London, Persian women and their creed, London, Church Missionary Society, Salisbury Square, E.G.
- Butlin, Robin (1993). *Historical*
- خاطرات عین السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- فوروکاوا، فوبیوشی (۱۳۸۴). *سفرنامه*. ترجمه دکتر هاشم رجب زاده و کینیچی ئه اورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فورویه (۱۳۶۳). *سه سال در دربار ایران*. ترجمه عباس اقبال. چ ۲. تهران: علمی.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). *تاریخ قم*. به کوشش محمد رضا انصاری قمی. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی.
- قم نامه (۱۳۶۴). به کوشش حسین مدرسی طباطبایی. قم: کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی.
- کارگزار، میرزا موسی خان (۱۳۸۳). *روزنامه سفر به سیستان*. به کوشش عباس اویسی و برات دهمرده. زاهدان: تفتان.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. چ ۵. تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، حاجیه خانم علویه (۱۳۸۶). *روزنامه سفر حج عتبات عالیات و دربار ناصری*. قم: مورخ.
- ماسهارو، یوشیدا (۱۳۷۳). *سفرنامه*. ترجمه هاشم رجب زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱). *نزهة القلوب*. به کوشش دبیر سیاقی. قزوین: حدیث امروز.
- معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۲). *یادداشت های از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه*. چ ۲. تهران: نشر تاریخ ایران.
- مقدسی، ابو عبدالله (۱۴۱۱ق). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. الطبعة الثالثة. القاهرة: مکتبه مدبولی.
- ممتحن الدوله، حسینقلی خان (۱۳۵۳). *خاطرات ممتحن الدوله*. تهران: امیرکبیر.
- ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۶۳). *سفرنامه عتبات*. به کوشش ایرج افشار. تهران: فردوسی.
- (۱۳۸۱). *سفرهای ناصرالدین شاه به قم*. به کوشش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- نائبینی، صفاء السلطنه (۱۳۸۲). *سفرنامه صفاء السلطنه*

- hurst and blackett publishers.
- Windet, Harry de (1891). *A ride to India across Persia and Baluchistan*. London: Chapman and Hall, limited.
- Wittlesey, Dewent (1945). *The Hirizon of Geogrophy*, Annals of the Association of American Geographers. V35, Issue 1.
- Geography: Through the Gates of Space and Time*. London.
- Collins, E (1896). *Treacher, in the kingdom of shah*, London: T.F. Unwin.
- Darby, H. C. (2002). *The Relations of History and Geography: Studies in England*. France and the United States, Exeter.
- Meinig, Donald (1993). *The Shaping of America: a Geographical Perspective on 500 Years of History*. Yale :University Press.
- Ku cera, Zden Ek. (2008). *Historical Goognaphy beween Geography and Historiography klaudyan*. V 5, No I, pd.
- Le Messurier, Augustus (1889). *from London to Bokhara; and a ride through Persia*. London: R. Bentley and son.
- Lord Weeks, Edwin (1896). *From the Black Sea through Persia and India*. new York: Harpek & Brothers Publishers.
- Monkhuse F.j. (1969). *A dictionary of geography*. London.
- Mounsey (1872). *Journey Through The Caucasus And The Interior Of Persia*. London: Smith, Elder & Co.
- Rees, John David (1855). *Notes OF A Journey From Kasveen To Hamadan Across The Karaghan Country*. Madras, Feinted By E. Keys, At The Governwnt Press.
- Sauer, Carlo (1941). *forward to Historical Geography*. Annals of the Association of American Geographers. V31, Issue 1.
- Schindler, A. Houtum (1897). *eastern Persian irak*. London: John Murray.
- Smith, Euan and John Lovett (1876). *eastern Persia (journeys of the Persian boundary commission 1870-71-72)*. V 1. London: macmillan and co.
- Stack, Edward (1882). *six months in Persia*. V2. London: Sampson Low, Makstox, Searle & Rivington.
- Ussher, John (1865). *a journey from London to Persepolis, including wanderings in daghestan, Georgia, Armenia, and Kurdistan, Mesopotamia, and Persia*. London: